

آبزیم، آبزین (âbzim, âbzin)

«به معنی جایگاه کلیدها در سر بربط است. آبزیم به معنی نرده چوبی شبکه‌دار کنار پلکان است و به واسطه شباهت جایگاه کلیدها در سازهای تاردار به آن نرده، آن جایگاه را نیز آبزیم یا آبزین خوانده‌اند.» شوشتری، امام، ایران گهواره دانش و هنر.

آبشوری، استاد علی خان (âbšuri, ostâd-alixân)

«استاد علی خان آبشوری نوازنده قُشمه از ایل کرد ایزانلو است. علی خان یزدانی معروف به علی آبشوری، نوازنده قُشمه فرزند علی اصغر متولد ۱۳۱۰ در روستای آبشور بجنورد است. علی اصلاً «عاشق» نیست بلکه بواسطه علاقه زیاد به فراگیری این ساز پرداخت. او از بهترین نوازندگان این ساز در منطقه بجنورد بوده، ساز او زینت بخش تمام جشن‌ها و عروسی‌های بزرگ منطقه بجنورد است.» بوستان، بهمن - درویشی، محمدرضا - هفت اورنگ

آخلکندو (âxlakandu)

«یکی از آلات موسیقی ضربی باستانی ایران است که پس از طی قرون متمادی امروزه به صورت «جغ جغه» یا «جغ جفک» به دست اطفال افتاده و هم اکنون در ارکسترهای جاز به نام «ماراکاس» برای حفظ وزن مورد استفاده قرار می‌گیرد. شکل ابتدایی آخلکندو عبارت است از یک مجموعه که درون آن سنگ ریزه

۱۳ ارکستر سمفونی بلدیه منحل شد و سروان مین‌باشیان که به فرمان شاه از ۱۳۱۳ به ریاست هنرستان موسیقی منصوب شده بود ارکستری را در هنرستان موسیقی تشکیل داد که نوازندگان آن همان اعضای ارکستر سمفونی بلدیه بودند. عنوان آن «ارکستر هنرستان عالی موسیقی» بود.

ر اشرف آریان‌پور، فصلنامه موسیقی ماهور، سال اول شماره ۴، تابستان ۱۳۷۸،
له ارکستر سمفونیک تهران

ارکستر شماره ۱ هنرهای زیبای کشور (orkestr-e-šomâre-ye-yek-e-honarhâ-ye-zibâ-ye-kešvar)

ارکستر که به همت «ابوالحسن صبا» تشکیل شد در آغاز متشکل از هشت نوازنده بود که بعدها تعداد آنها به ۲۶ نوازنده رسید. پس از درگذشت استاد صبا آذرماه ۱۳۳۶ این ارکستر مدتی تعطیل شد و سپس بنام «ارکستر صبا» و به تألیف حسین دهلوی مجدداً آغاز به کار کرد. دهلوی سازمان ارکستر را وسعت و تعداد بیشتری از سازهای ایرانی و فرنگی به آن افزود. هدف این ارکستر شش برای نشان دادن موسیقی قدیمی ایران از طریق تنظیم تصانیف قدیمی، بیم قسمت‌هایی از ردیف، موسیقی‌دانهای معاصر چون صبا و سماعی، اجرای جدید موسیقی ایرانی و نیز اجرای قطعات تنظیم شده موسیقی محلی بود.

ارکستر صبا تا سال ۱۳۴۶ موجودیت داشت. در این سال که مصادف با تأسیس ارکستر رودکی و ازدیاد فعالیت ارکستر سمفونیک تهران بود تعداد نوزده نفر از نوازندگان خوب ارکستر صبا که همزمان در ارکستر سمفونیک نیز حضور داشتند کستر سمفونیک منتقل شده و در نتیجه «ارکستر صبا» تعطیل شد. درویشی،
مدرضا- فصلنامه آهنگ شماره ۴

ارکستر شماره ۲ هنرهای زیبای کشور (orkestr-e-šomâre-ye-doye-honarhâ-ye-zibâ-ye-kešvar)

ارکسترهای هنرهای زیبای کشور بود که رهبری آن را احمد فروتن راد به
ده داشته است. درویشی، محمدرضا- فصلنامه آهنگ شماره ۴

حرف «الف» / ۱۰۷

(ikri)

یکری همان حکم چنگ را دارد اما فرق همین است که ملاوی ایگری چوب و از چنگ ریسمان است و بر روی ایگری چوب پوشانند و بر روی چنگ پوست. «صدالاحان مراغی

القادر مراغی در کتاب جامع الالحان این ساز را با املاء «اکری» ضبط کرده

(ikiyât)

یکی از چهل و هشت گوشه موسیقی قدیم ایران است. گوشه‌ای است از شعبه ر و نیم‌بانگ دارد» بهجت‌الروح گوشه‌های ۴۸ گانه» نگاه کنید.

(ikiyât-e-serf)

یکی از چهل و هشت گوشه موسیقی ایران است. اگر از نغمه اول حسینی آغاز و به حجاز و ر کب روند و پس آیند و در سه گاه گذر کرده در نیریز آیند آن یکیات صرف» گویند. «بهجت‌الروح

د بیمار یا بیماران حاضر در مجلس را مجذوب خود می‌کند. در این آیین موسیقی بت به سزایی دارد. بخشی با نواختن آهنگ‌هایی در مقام نوایی که دارای ریتم و دی آرامی است به تسریع پیدایش حالت جذبه در بیمار کمک می‌کند. در این آیین از موسیقی سازی استفاده می‌شود. «اشتری، بهروز، مقاله موسیقی و ترکمن، موعه مقالات اولین گردهم آبی مردم شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور

(parde)

ده نزد ارباب عمل دوازده مقام است که عرب آن‌ها را «شدود» خوانده و عجم ه، مقام و ادوار مشهوره نیز خوانند و هر یکی را به اسمی مخصوص گردانیده «صدالالحان - مراغه‌ای

ده نزد ارباب عمل، دوایر عشر است. جمع کامل ملایم را پرده خوانند و آنها زده‌اند و غیر از آنها را پرده نخوانند. دوایر اثنی عشر دوازده‌گانه عبارتند از: باق - نوا - بوسلیک - راست - عراق - اصفهان - زیرافکند - بزرگ - زنگوله - وی - حسینی - حجازی» شرح ادوار ارموی به قلم عبدالقادر مراغه‌ای - به اهتمام بینش

پرده عراقی می‌زد بنام ساقی مقصود باده بودش ساقی بدش بهانه

(مولوی)

ده در استعمال ارباب عمل به حسب استقراء تام عبارت است از نغمات مرتب ترتیبی محدود چنانکه بعدی شریف غالباً مستغرق آن بود پس او بود پس او دف جمع باشد. پرده‌های مشهور دوازده‌اند. بنابر آنکه موالید که از امتزاجات صر در عالم کون و فساد حاصل می‌شوند سه‌اند و عناصر چهار و مضروب 3×4 وی دوازده باشد و نام‌های ایشان این است: عشاق، نوا، بوسلیک، راست، عراق، بهان، کوچک، زیرافکند بزرگ، زنگوله، رهاوی، حسینی، حجاز.

باق ترا قد حسینی است چو راست در پرده بوسلی رهاوی و نواست
ن گشت بزرگ در صفاهان و عراق زنگوله حجاز و کوچک اندر برماست

ضی گویند اصل پرده‌هایی که فیثاغورس بیرون آورده هفت‌اند:

ز، بوسلیک، راست، عراق، عشاق، زیرافکند، رهاوی «نفایس الفنون فی عرایس العیون ده به معنی گام در کتاب‌های موسیقی عربی به کار رفته و در عربی آن را به رت «برده» به کار برند.» شوشتری، امام - ایران گهواره دانش و هنر

ترنم روید از کام و زبانی که با آه و فغانی همدم افتد

(ظهوری)

(tarannom-be-nasr)

م به نثر

نم به نثر در مقابل ترنم به نظم و تقریباً به معنی «سلفتر» فرنگی است. اگر آهنگی بدون شعر بخوانند اسمش «ترنم به نثر» است و اگر با شعر بخوانند «ترنم به نظم» شود. «تقی‌بینش، تعلیقات مقاصدالاحان

(tarannom-gari)

م گری

ود کردن. ملاطفری سروده است:

چکاوک ز حسن ترنم گری ز منقار خود می ستاند پری

(فرهنگ آندراج)

(tar-navâzi, tar-zadan)

رازی، توزدن

و آهنگ خوش زدن. مهارت و شیرینی پنجه نوازنده.

رت خشک لب شده آمد و ترهمی زند آن تری که اندرو آب غبار می کند

(مولوی)

زدی رود روان در پرده سازی بگوش خشک مغزان ترنوازی

(حکیم زلالی)

مطرب، آن ترانه تر بازگو بین تو تری و لطیفی و ما از تو تر تریم

(مولوی)

م از مژگان تر باید زدن بر تار اشک نغمه دلکش نیست تا مطرب نباشد ترنواز

(مخلص کاشی)

(tasalsol)

مل

ل هر دستگاه یک، دو رنگ مخصوص هم گذارده‌اند منجمله در دستگاه ماهور
ب حربی» و «تسلسل»... مهدی قلی خان هدایت.

رژه «رنگ» نیز نگاه کنید.

مضرباب در تار بیشتر پرورش یافته و متنوع شده است و روی ویولن چهارمضربابها از تار خسته کننده تر و یکنواخت تر است.» خالقی - نظری به موسیقی بخش دوم

طرحه‌ای است که برای نوازندگی ساز ساخته می‌شود و نوازنده اکثراً به تنهایی آن می‌نوازد و غالباً برای ایجاد تنوع و احتراز از یکنواختی اجرای آوازها و برای مان دادن مهارت نوازنده ساخته می‌شود. نوازندگان قدیم گاه چهارمضرباب را در ندای اجرا قبل از درآمد دستگاه می‌نواخته‌اند، از این قبیل می‌توان از نواخته‌های مرتضی نی‌داود یاد کرد که غالباً با یک چهارمضرباب شروع شده و در بین تارهای گوشه‌ها مانند قبل از عشاق یا بیات راجع نیز از چهارمضرباب کوتاهی برای نواز استفاده می‌کردند.» سپنتا، ساسان - چشم‌انداز موسیقی ایران.

چهارمضرباب یکی از گوشه‌های نغمه بیات اصفهان است» برکشلی، مهدی - گام‌ها دستگاههای موسیقی ایرانی.

چهارمضرباب گوشه‌ای است در دستگاه شور و همایون، اصطلاحی است در اختن آهنگ موسیقی، نوعی از آهنگ موسیقی که نوازنده ساز در دستگاههای مختلف آواز می‌نوازد تا آواز خوان برای خواندن مهیا شود، گونه‌ای از زدن که نوازنده خواننده را برای خواندن مهیا سازد.» فرهنگ معین

(cîn-yâse)

بین یاسه

بلاوه بر اسم یکی از زارها، اسم یک ساز هم هست که در سواحل جنوبی ایران حدی رواج دارد.» ساعدی، غلامحسین - اهل هوا

(cîni)

بینی

برده‌ای از موسیقی قدیمی ایران بوده است. منوچهری سروده:
به لحن مویه زال و قصیده لغزی به لفظ پارسی و چینی و خماخسرو

در اطراف کوه تفتان سکونت دارند. آواز کردی نیز دارای متر آزاد است.» بهمن
 رستان - محمدرضا درویشی - مجله ادبستان شماره ۳۶ آذرماه ۱۳۷۱

(ker-zadan)

کِرزدن

ازن‌های بلوچ در جشن‌ها و آوازخوانی‌ها گاهی دسته جمعی و هم صدا با هم و با صدای بلند فریاد می‌کشند که شبیه به همان تحریر خوانندگان آواز ایرانی است و اصطلاحاً به آن «کِرزدن» می‌گویند.» علی ریاحی - زاروباد بلوچ

(kerešme)

کِرشمه

یکی از گوشه‌های مهم دستگاه ماهور است که از پنجم بم گام دستگاه ماهور شروع می‌شود و شاهد و نت ایست آن مایه دستگاه است» برکشلی - گام‌ها دستگاههای موسیقی ایرانی.

رصدالدوله شیرازی در بحورالالحن «کِرشمه» را جزو یکی از گوشه‌های دستگاه شور ذکر کرده است. منتظم‌الحکماء «کِرشمه» را یکی از گوشه‌های دستگاه شور و واز افشاری دانسته است.

- ر ردیف شادروان موسی معروفی گوشه کِرشمه در دستگاهها و آوازهای زیر آمده است:
- دستگاه شور (کِرشمه رهاب)، ۲- افشاری ۳- بیات ترک (کِرشمه قطار)، ۴-
 - وعطا، ۵- سه‌گاه (کِرشمه، کِرشمه حصار، کِرشمه مخالف)، ۶- چهارگاه
 - کِرشمه حصار، کِرشمه مخالف، کِرشمه منصوری، ۷- ماهور، ۸- همایون، ۹-
 - ات اصفهان، ۱۰- راست پنجگاه، ۱۱- نوا

کِرشمه ماهور



Shiraz-Beethoven.ir

گ

(gâtâr)

یکی از الحان قدیم ایران که هنوز هم نام لحن یا نوانی است، محلی در کردستان آن خوانده می‌شود و جنبه نیایش دارد. شاید بتوان گوشه «قطار» را که هم اکنون مایه بیات ترک خوانده و نواخته می‌شود معرب «گاتار» دانست و پرده‌های زنده لحن آن را از دایره‌های بسیار قدیمی موسیقی ایرانی بشمار آورد. سینعلی ملاح - پیوند موسیقی و شعر

(gârmân)

یکی از سازهای رایج در منطقه آذربایجان که شباهت به آکوردئون دارد. نام‌های دیگر این ساز عبارتند از: گارمون، قارمان، قارمون.

(gâm)

ام توالی هشت نت موسیقی است که به ترتیب طبیعی دنبال یکدیگر قرار گیرد. رون عده نت‌های موسیقی هفت است همیشه نت هشتم گام اسم نت اول گام را راهد گرفت. گام دارای هشت درجه است. «خالقی - نظری به موسیقی بخش اول هشت نت معین که بطور متصل به هم مربوط باشند تشکیل گام را می‌دهند (یک (او) بدیهی است که نت هشتمی تکرار نت پایه است. مشروط بر این که فرکانس دو برابر یا نصف نت مبنا باشد. گام از نظر موسیقی قالب‌های معینی است که